

## شیخ محمود شلتوت؛ آیت شجاعت

(۱۳۱۰ق-۱۳۸۳ق)

### زادگاه

شیخ محمود شلتوت در روز پنجم شوال سال ۱۳۱۰ قمری در روستای «منشاة بنی منصور» از توابع بخش «ایتای البارود» یکی از بخش‌های استان بحیره مصر<sup>۱</sup> در خانواده‌ای عالم‌پرور و ادیب دیده به جهان گشود. پدرش شیخ محمّد او را محمود نام نهاد. وی نهایت سعی را در راه تربیت و تعلیم فرزندش به کار گرفت.

### آغاز تحصیلات

هنوز هفت بهار از سن محمود نگذشته بود که پدرش دار فانی را وداع کرد و عمویش شیخ عبدالقوی شلتوت سرپرستی او را بر عهده گرفت. از همان ابتدا آثار نبوغ و استعداد وافر در کارهایش آشکار بود؛ بدین سبب عمویش او را برای کسب علم و معارف اسلامی به مکتبخانه روستا فرستاد. از مقررات مکتبخانه‌های مصر این بود که دانش‌آموز قبل از خواندن دروس ادبیات، باید کلّ قرآن را حفظ کند. محمود هم همچون دیگر دانش‌آموزان قبل از هر چیز به حفظ قرآن مشغول شد و در مدّت کمی کلّ آن را حفظ کرد.

۱. ایالت بحیره، از ایالات مهم کشور مصر با ۱۰۱۳۰ کیلومتر مربع وسعت و با جمعیت ۴ میلیون نفر در قسمت غربی دلتای نیل واقع شده، و مرکز این ایالت شهر «دامانهور» است. از مهم‌ترین شهرهای این ایالت، دلنجات، رشید، کفرالدوار است. فعالیت اصلی مردم این ایالت، کشاورزی است؛ به طوری که زمین‌های کشاورزی در این ایالت ۱۴/۱۹ درصد کل اراضی کشور مصر را شامل می‌شود (برآورد استراتژیک مصر، ج ۱، ص ۱۰۱).

## تحصیلات تکمیلی

شیخ محمود در سال ۱۳۲۸ قمری (۱۹۰۶ م) برای کسب مدارج عالی علم، به شهر اسکندریه هجرت کرد و در دانشکده اسکندریه<sup>۱</sup> مشغول تحصیل شد.

نبوغ علمی و استعداد درخشان وی، مورد تعجب استادان و دانشجویان قرار گرفت. وی با تلاش بی‌وقفه در سال ۱۳۴۰ قمری (۱۹۱۸ م) موفق به کسب عالی‌ترین مدرک رسمی از دانشکده اسکندریه شد و دانشجوی نمونه دانشکده معرفی شد؛ در حالی که از زندگی او ۲۵ بهار بیشتر نگذشته بود. وی پس از اتمام تحصیلات در سال ۱۳۴۱ قمری (فوریه ۱۹۱۹ م) در جایگاه استاد در همان دانشکده مشغول تدریس شد.

تحصیلات و تدریس شلتوت در سال ۱۳۴۱ قمری (۱۹۱۹ م) در مصر همزمان با انقلاب مردمی مصر به رهبری سعد زغلول<sup>۲</sup> بود. روستاها و شهرهای مصر سرشار از تظاهرات به حمایت از سعد زغلول و ضد اشاگران شد. شلتوت نیز بی تفاوت نبود و به وظیفه انقلابی‌اش عمل کرد و با زبان و قلمش در خدمت انقلاب مردم مصر بود.

## ورود به الازهر

شیخ محمد مصطفی مراغی که تأثیر عقیدتی شگرفی بر شلتوت داشته است، هنگامی که در سال ۱۳۶۰ قمری (۱۹۳۸ م) ریاست دانشگاه الازهر را بر عهده داشت، مقاله‌ای از شیخ محمود شلتوت مطالعه کرد و به عمق اندیشه، تسلط بر ادبیات عرب و چیره دستی او در نویسندگی پی برد؛ بدین جهت از او برای تدریس در سطوح بالای دانشگاه الازهر دعوت کرد. شلتوت که در دانشکده اسکندریه مشغول تدریس و تربیت شاگرد بود، از این دعوت استقبال و به قاهره عزیمت کرد و در جایگاه استاد در دانشگاه الازهر مشغول تدریس شد.

۱. این دانشکده از قدیم‌ترین دانشگاه‌های اسکندریه، و زیر نظر دانشگاه الازهر مشغول فعالیت است.  
۲. وی از چهره‌های معروف ملی، در مصر به شمار می‌آید که روند استقلال مصر را آغاز کرد. دو روز قبل از متارکه جنگ در ۱۲۹۷ شمسی برای کسب استقلال به کمیسر عالی انگلستان مراجعه کرد؛ اما درخواست وی پذیرفته نشد؛ بدین سبب برای تسریع در امر اعطای استقلال، حزب «وفد» را تأسیس کرد. پس از مدتی زغلول و یارانش به وسیله نیروهای انگلستان ابتدا به جزیره مالت و سپس به جزایر سی‌شیل تبعید شدند. در پی تأیید قیمومت انگلستان از سوی کنگره ورسای، ملی‌گرایان مصری، بر شدت عمل خود افزودند تا سرانجام، انگلیسی‌ها قیمومت خود را فسخ کردند و سلطان فؤاد در جایگاه پادشاه، اداره امور مصر را بر عهده گرفت. پس از مدتی کشور مصر به صورت سلطنت مشروطه درآمد. از این زمان تا سال ۱۳۲۵ شمسی که مصر استقلال کامل خود را به دست آورد، مبارزه‌ای سخت برای کسب قدرت بین شاه و انگلستان از یک طرف، و حزب وفد که حزب ملی‌گرای دارای اکثریت بود، ادامه داشت. زغلول که از تبعید بازگشته بود، با اکثریت قاطع در انتخابات نخست‌وزیری پیروز شد؛ ولی انگلستان با نخست‌وزیری وی مخالفت ورزید و او مجبور شد استعفا کند. وی در سال ۱۳۰۶ شمسی فوت کرد (طلابه داران تقریب، محمد عبده، ص ۵۰).

کامیابی‌های پی در پی او باعث شد که در سال ۱۳۶۱ قمری (۱۹۳۹ م) در مقام مدرّس مرحله تخصصی دانشگاه الازهر برگزیده شود.

## استادان

شلتوت در محضر استادان بسیاری شاگردی کرده است؛ اما سه تن از آن‌ها سهم بیشتری در تربیت و آموزش او داشته‌اند:

۱. استاد شیخ الجیزوی: از استادان شیخ محمود شلتوت در دانشکده اسکندریه.

۲. شیخ عبدالمجید سلیم: عبدالمجید سلیم در ۱۳۰۴ قمری (۱۳ اکتبر ۱۸۸۲) در مصر دیده به جهان گشود. پس از گذراندن دوران مقدماتی، وارد دانشگاه الازهر و در سال ۱۳۳۰ قمری از آن‌جا فارغ‌التحصیل شد. وی پس از اتمام تحصیلات، در جایگاه قاضی، مدرّس و عضو هیأت فتوا مشغول به کار شد. وی از شاگردان امام محمد عبده به شمار می‌رود.

عبدالمجید سلیم یکی از بنیانگذاران جماعت تقریب مذاهب اسلامی و از فعال‌ترین اعضای آن جمعیت بود. از ویژگی‌های بارز او صراحت و شجاعت بود. به دلیل همین صراحت کم نظیر در سال ۱۳۶۸ قمری هنگامی که دید حکومت می‌خواهد در شؤون الازهر دخالت کند، از ریاست الازهر استعفا کرد. رئیس دیوان دربار که از این عمل عبدالمجید به شدت عصبانی شده بود، عبدالمجید را تهدید کرد و گفت: به سبب این اقدام، خطرهایی متوجه او خواهد شد. شیخ عبدالمجید با کمال شجاعت و صراحت در پاسخ او گفت: همانا مادامی که بین خانه‌ام و مسجد در حرکتیم، خطری مرا تهدید نمی‌کند (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۷۹ ش، ص ۲۴).

وی پس از سال‌ها تلاش در عرصه تقریب و وحدت اسلامی در روز پنج شنبه دهم صفر ۱۳۷۴ قمری دار فانی را وداع گفت (خفاجی، ج ۱، ص ۳۰۶).

۳. شیخ امام محمد مصطفی مراغی: شیخ مصطفی مراغی در ۱۳۰۳ قمری (مارس ۱۸۸۱ م) در «مراغه» یکی از توابع استان سوهاج مصر متولد شد. پس از دوران کودکی، به حفظ قرآن روی آورد و در مدت کمی حافظ کل قرآن شد. وی از مریدان، پیروان و شاگردان محمد عبده بود و تحت تأثیر افکار او رشد کرد.

رشید رضا درباره وی می‌گوید: او از خالص‌ترین برادران و مریدان شیخ محمد عبده بود (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۷۹ ش، ص ۲۴).

هنگامی که عبده به سودان سفر کرد، او را با خود آن‌جا برد و وی آن‌جا به شغل قضا مشغول شد.

شیخ محمود شلتوت استاد خود را این گونه می‌ستاید: هر آنچه شیخ مراغی از علم و عقل و اندیشه داشت بدین سبب بود که شاگرد شیخ محمد عبده بود (احمدی، ۱۳۸۳ ش، ص ۵۴).

دبیر کل مجمع دارالتقریب، محمدتقی قمی درباره او می‌گوید: «او [= امام مراغی رحمه الله علیه] مردی باوقار و با شخصیت و دارای فکری منظم و هماهنگ و بینشی وسیع بود... او مردی فعال بود و در ایجاد ارتباط میان اشخاص و اتفاق بر نقاط اساسی سهم بسزایی داشت. او محیط را برای بعضی از بزرگان و علمای دین که در صدر آن‌ها شیخ مصطفی عبدالرزاق<sup>۱</sup> و شیخ عبدالمجید سلیم قرار داشتند، آماده ساخت (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۷۹ ش، ص ۶۵).

مراغی آثاری در حوزه قرآن و معارف اسلامی از خود به یادگار گذاشت که برخی از آن‌ها عبارتند از *الاولیاء و المحجورین*، بحثی در ترجمه قرآن، بحث‌های لغوی و دروسی شامل تفسیر سوره‌های لقمان، الحجرات، الحديد و والعصر و... (احمدی، ۱۳۸۳ ش، ص ۵۴).

وی در رمضان ۱۳۶۴ دار فانی را وداع گفت. پس از تشییع جنازه‌ای باشکوه، پیکر او را در مقبره سیده نفیسه دفن کردند (مجاهد، ۱۹۹۴ م، ج ۱، ص ۴۰۰).

## شاگردان

### ۱. عباس محمود عقاد

عباس محمود عقاد شاعر، مجذد، نقاد و روزنامه نگار معروف مصری در سال ۱۳۱۱ قمری (۱۸۸۹ م) در اسوان<sup>۲</sup> دیده به جهان گشود. حرفه اصلی او روزنامه‌نگاری بود؛ ولی در شعرسرایی هم بسیار تبحر داشت. اکثر آثار او از جمله *دیوان شعر*، *وحی الاربعین*، *هدیه الکروان* و *عابر السبیل* در حوزه شعر است. دو کتاب به نام‌های *عقبریه محمد* و *عقبریه عمر* درباره سلسله‌ای از اعلام اسلام تألیف کرده است (المنجد فی الاعلام، ص ۴۷۱).

### ۲. شیخ علی عبدالرزاق<sup>۳</sup>

۱. استاد شیخ مصطفی عبدالرزاق یکی از رؤسای دانشگاه الازهر، در سال ۱۲۶۴ شمسی دیده به جهان گشود. پدرش حسن پاشا عبدالرزاق همچون اجدادش به شغل قضا مشغول بود. وی پس از گذراندن مقدمات، در سال ۱۲۸۷ شمسی از دانشگاه الازهر فارغ التحصیل شد. او از جمله شاگردان زبده محمد عبده بود و کتابی پیرامون زندگی استادش به نام «الاستاذ الامام محمد عبده» نگاشت (احمدی، ۱۳۸۳، ص ۵۰).

۲. اسوان مرکز استان اسوان مصر در ساحل رود نیل واقع شده است. سد اسوان از بزرگ‌ترین و مشهورترین سدهای مصر در آن جا قرار دارد. مهم‌ترین شهرهای آن عبارتند از ادفو، کوم امبو و نصر (المنجد فی الاعلام، ۱۹۸۲ م، ص ۴۵).

۳. اخبار تقریب، ش ۴۵-۴۶، ص ۲۷.

## کناره گیری از الازهر

شیخ مصطفی مراغی در جایگاه روشنفکری اصلاح‌گر، مصمم بود برنامه‌های اصلاحی خود را در الازهر اجرا کند؛ بدین لحاظ برای جلب نظر دولت مصر، لایحهٔ اصلاحی خود را به دولت وقت تقدیم کرد.<sup>۱</sup> شلتوت هم با نوشتن چندین مقاله به حمایت از برنامه‌های مراغی برخاست و برنامه‌های اصلاحی او را گامی در پیشبرد وضعیت فرهنگی و علمی دانشگاه الازهر معرفی کرد.

دربار فاسد و وابستهٔ مصر با این لایحه مخالفت ورزید. پس از این اقدام، مصطفی مراغی برای اعتراض از ریاست دانشگاه الازهر کناره‌گیری کرد. دربار مصر ضمن قبول استعفای مراغی، شیخ محمد ظواهری<sup>۲</sup> را در جایگاه رئیس دانشگاه الازهر برگزید. وی پس از استقرار در مقام ریاست الازهر، تصمیم گرفت برنامه‌های دربار را اجرا کند؛ ولی با مخالفت عالمان روشن ضمیر رو به رو شد. ظواهری که خود را با موجی از مخالفت مواجه دید، برخی از عوامل اصلی این مخالفت را از کار برکنار کرد. از جمله این افراد شیخ محمود شلتوت را در تاریخ ۱۳۵۳ قمری (۱۷ سپتامبر ۱۹۳۱) از سمت خود برکنار کرد. وی پس از برکناری، لحظه‌ای هم بیکار ننشست و همراه شاگردش، شیخ علی عبدالرزاق به شغل وکالت در محاکم شرعی و نویسندگی در روزنامه‌ها مشغول شد. وی ذره‌ای از مواضع اصولی خود عقب ننشست و در مقالاتی که می‌نوشت، بر ضرورت اصلاحات در الازهر تأکید می‌کرد.

مسئولان الازهر پس از مدتی متوجه شدند که با نبودن استادان بزرگی چون شلتوت، به اعتبار دانشگاه لطمه وارد می‌شود؛ از این رو در سال ۱۳۵۷ قمری (۱۹۳۵ م) او را به کار و تدریس در الازهر دعوت کردند؛ بنابراین، وی در همان سال در دانشکدهٔ شریعت مشغول تدریس شد.

## افتخارات علمی

شیخ محمود شلتوت در طول حیات فکری‌اش بارها مورد تقدیر و نکوداشت قرار گرفت، به طور نمونه، در سال ۱۳۸۰ قمری (۱۹۵۸ م) از دانشگاه شیلی و در سال ۱۳۸۲ قمری (۱۹۶۰ م) از دانشگاه جاکارتا، دکترای افتخاری کسب کرد (خفاجی، ج ۳، ص ۴۴۴).

۱. دانشگاه الازهر زیر نظر دولت مصر اداره می‌شود و رئیس آن را هم دولت تعیین می‌کند؛ بدین سبب هرگونه تغییر در برنامه‌های آن باید با اجازهٔ دولت وقت باشد.

۲. شیخ محمد احمدی ظواهری، بیست و نهمین شیخ الازهر، در سال ۱۲۹۶ قمری در شهر «کفر الظواهری» متولد شد. پس از گذراندن علوم مقدماتی از عالمان بزرگی چون محمد عبده استفاده و بهرهٔ علمی برد. در سال ۱۳۴۹ قمری به ریاست حزب وفد برگزیده، و در سال ۱۳۵۱ قمری از طرف فؤاد اول به ریاست الازهر نایل شد. از وی آثاری بر جای مانده که برخی از آن‌ها عبارتند از رسالهٔ فی الاخلاق، العلم و العلماء، النفاضل بالفضیلة و... وی در جمادی‌الاولی ۱۳۶۳ فوت کرد (مجاهد، ۱۹۹۴ م، ج ۱، ص ۳۵۹).

## ریاست الازهر

دولت وقت مصر در سال ۱۳۵۹ قمری (۱۹۳۷ م) شیخ مراغی را دوباره به مقام رئیس الازهر برگزید. لیاقت و کاردانی شلتوت و نیز علاقه وافر مراغی به وی باعث شد که مراغی او را در جایگاه قائم مقام دانشکده شریعت برگزیند.

مراغی در سال ۱۳۷۹ قمری (۱۹۵۷ م) شلتوت را به عنوان قائم مقام دانشگاه الازهر برگزید. شیخ محمود شلتوت در سال ۱۳۸۳ قمری (۱۹۶۱ م) از طرف ریاست جمهوری وقت مصر در مقام رئیس دانشگاه الازهر برگزیده شد. وی در مدت ریاست در الازهر، خدمات شایانی برای دانشگاه الازهر و اسلام انجام داد.

از مهم‌ترین برنامه‌های او در دانشگاه الازهر، دوری از تعصبات فرقه‌ای و مذهبی بود. هنگامی که خبرنگار از وی پرسید: وظیفه و هدف دانشگاه الازهر در دوره جدید چیست؟ شیخ محمود شلتوت پاسخ داد: مهم‌ترین هدف اساسی در برنامه من عبارت است از پیکار با تعصبات، و تحقیق و بررسی علوم دینی در محیطی پر از صفا و برادری، بحث در یافتن بهترین راهی که بتوان به تحکیم روابط دین و ایمان خدمت کرد و پیروی از دلیل قوی از هر افقی که بدرخشد.

اگر مسلمانان به این مطالب جامه عمل بپوشانند، نیرویی بس بزرگ تشکیل می‌دهند که می‌توانند با فراغت و آسودگی به بالا بردن شأن و منزلت خود بپردازند و از بار مشکلات گذشته که مولود تعصب بود، رهایی یابند، و در جهان، همچون یک روح در پیکرهای مختلف درآیند (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۷۷ ش، ص ۳۵۵؛ جمهوری اسلامی، ۱۹ / ۱۰ / ۷۹، ویژه‌نامه، ص ۱۰).

از مهم‌ترین اقدام‌های او هنگام ریاست در دانشگاه الازهر، تدریس فقه شیعه کنار مذاهب اهل سنت بود. وی در این باره می‌گوید: «این هم دانشگاه الازهر که بر اساس تقریب بین مذاهب اسلامی مقرر داشت که فقه شیعه و سنی هر دو بر اساس دلیل و برهان بدون هیچ گونه تعصبی تدریس شود (جمهوری اسلامی، ۱۹ / ۱۰ / ۷۹، ویژه‌نامه، ص ۱۰)».

## برگزاری مراسم عاشورادر دانشگاه الازهر

از برنامه‌های شیخ محمود شلتوت در دورانی که ریاست الازهر را بر عهده داشت، برگزاری مراسم عزاداری در روز عاشورا در صحن دانشگاه الازهر بود. این موضوع عشق و علاقه وافر او را به اهل بیت به ویژه امام حسین علیه السلام نشان می‌دهد. استاد محمد واعظ زاده خراسانی در این باره

می‌گوید: «برای بزرگداشت واقعه عاشورا در دوران شیخ شلتوت شیخ وقت الازهر، در محوطه جامع الازهر) در روز عاشورا مجلس عزاداری برگزار کردند و به خاطر دارم که در همان موقع، روزنامه‌های ایران، این خبر را نشر دادند (روزنامه اطلاعات، ۱۳/۴/۱۳۷۴، ویژه‌نامه، ص ۱۴)».

## فعالیت‌های علمی

### ۱. تأسیس «آکادمی تحقیقات اسلامی»

در این مؤسسه که شلتوت آن را تأسیس کرد، نمایندگان تمام مذاهب اسلامی گرد هم می‌آیند و درباره موضوعات مختلف اسلامی، به بحث و بررسی می‌پردازند (مردم و دین، ص ۱۶).

### ۲. شرکت در کنفرانس هلند

شیخ محمود شلتوت از طرف دانشگاه الازهر در سال ۱۳۵۹ قمری (۱۹۳۷ م) در جایگاه عضوی از هیأت نمایندگی الازهر به کنفرانس بین‌المللی «لاهی» که در کشور هلند برگزار شد، برگزیده شد و در این کنفرانس شرکت کرد.

شلتوت در این کنفرانس مقاله‌ای تحت عنوان «المسؤولية المدنية و الجنائية في الشريعة الاسلاميه» ارائه کرد. مقاله وی از نظر علمی و ادبی در سطح بالایی قرار داشت و مورد قبول و تقدیر اعضای کنفرانس قرار گرفت. در پایان با توجه به اهمیت موضوعی که به آن پرداخته بود، مقاله وی به صورت مقاله نمونه انتخاب شد و به چاپ رسید.

### ۳. عضویت در کمیسیون تفسیر رادیویی

وظیفه این کمیسیون نظارت بر پخش برنامه‌های تفسیر قرآن کریم در رادیوی مصر بود که شلتوت از اعضای فعال این کمیسیون به شمار می‌رفت و به پیشنهاد او هر روز صبح قبل و بعد از تلاوت قرآن برنامه‌ای تحت عنوان «سخن بامداد» که بحثی تفسیری بود، پخش می‌شد.

### ۴. عضویت در کمیته فتوای الازهر

از مهم‌ترین وظایف این کمیته، صدور فتوا در زمینه‌های گوناگون فقهی بر اساس نیاز جامعه است.

### ۵. عضویت در انجمن علمای طراز اول مصر

شلتوت در حالی به عضویت این انجمن درآمد که جوان‌ترین عضو این تشکیلات بود؛ اما با وجود کمی سن در مقایسه با دیگران، در نخستین جلسه‌ای که در این انجمن شرکت کرد، پیشنهادهای مهمی ارائه داد که در همان جلسه کمیته‌ای به ریاست «شیخ عبدالمجید سلیم» تشکیل شد تا به پیشنهادهای شلتوت رسیدگی و اجرا شود.

## ۶. نظریات شیخ محمود شلتوت درباره ازدواج موقت در دولت آلمان غربی

دولت آلمان غربی طی نامه‌ای از شیخ محمود شلتوت، شیخ دانشگاه الازهر خواست تحقیق کاملی درباره تعدد زوجات در اسلام برای آن دولت بفرستد تا شاید با استفاده از آن، مسأله فزون بودن تعداد زنان بر مردان را در آن کشور حل کند. شیخ محمود شلتوت نیز این بحث را آغاز کرد؛ سپس مقرر شد تحقیق وی به سه زبان انگلیسی، آلمانی، فرانسه ترجمه شود. آن روزها برخی نشریات نوشتند که بحث شلتوت نخستین بحثی است که مسأله ازدواج و افزایش زنان را در آلمان حل خواهد کرد (مکارم شیرازی، اسفند ۱۳۳۸، ص ۴۴).

## ۷. عضویت در فرهنگستان زبان عربی مصر موضعگیری‌های شلتوت

شیخ محمود شلتوت ۶ روز پس از واقعه ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ شمسی، نامه‌ای نوشت و از عموم مسلمانان خواست تا عالمان مجاهد ایران را که به جرم دفاع از حق به زندان کشیده شده‌اند، پشتیبانی کنند. او در این اعلامیه دستگیری عالمان و اهانت به ساحت مقدس آنان را داغ ننگی بر جبین بشر شمرد و طی تلگرافی خطاب به شاه رسماً خواست که از تجاوز به حریم روحانیان و عالمان اسلام، خودداری کند و بازداشت شدگان از عالمان و مردم مسلمان را هر چه زودتر آزاد سازد.

متن اعلامیه

بسم الله الرحمن الرحيم

هذا بيان للناس

در این دوره، جریان‌های تبلیغاتی شوم و تجاوززاتی آشکار رخ می‌دهد که قربانیانش علمای اسلام در ایرانند؛ آن رادمردانی که به راه خدا می‌خوانند و از دینش پاسداری می‌نمایند و جرمی جز این ندارند که تعلیمات الهی را باز می‌گویند. علمای اسلام و روحانیون ایرانی بارها مورد تجاوز رژیم قرار گرفته‌اند و بارها زندانی شده‌اند و از انجام وظیفه امر به معروف - که هر غیر عاجزی بدان مکلف است - و از وظیفه نهی از منکر - که بر هر غیر عاجزی واجب است - بازداشته شده‌اند حال آن که خیر و فواید انجام این دو وظیفه عاید امت اسلام می‌شود و نتایج فرخنده‌اش نصیب ملت می‌گردد؛ زیرا حیات هر ملتی وابسته به اخلاق او است و شالوده اخلاق را دین خدا - در مجموعه احکام و آداب و نظامات و تعلیماتش - تشکیل می‌دهد، و پرچمداران جنبش تکامل اخلاقی و رهبران معنویت و عناصر مؤثر در این کار، همان علمای اخلاقی هر ملتند که با تبلیغ و رهبری و ارشادشان زمینه و شرایط و عوامل تکامل معنوی او را فراهم می‌گردانند.

هان، به شما مسلمانان هشدار می‌دهم، به مسلمانان همه کشورهای و به ملت مسلمان ایران که



این تجاوز و دست درازی بیش‌رمانه را به سادگی نگاه نکنید و به تمام نیرو برای نجات علمای ایران از چنگال دژخیمان دیکتاتور ایران مبارزه کنید، (وَلَا تَزْكُرُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَهِيَ لَكُمْ مِنَ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ)، و به ستمکاران تکیه نکنید که آتش [دوزخ] گریبان‌تان را خواهد گرفت و در برابر خدا هیچ یآوری نخواهید داشت و هیچ کس به کمکتان نخواهد آمد.

۱۸ / محرم / ۱۳۸۳

محمود شلتوت، شیخ الازهر (روحانی (زیارتی)، ج ۱، ص ۵۲۲)

### به رسمیت شناختن اسرائیل

با تلاش‌های پیگیر امریکا و انگلیس در تاریخ ۸ / ۹ / ۱۳۲۶ شمسی (برابر با ۲۹ نوامبر ۱۹۴۷ م) مجمع عمومی سازمان ملل طرح پیشنهادی مبنی بر تقسیم سرزمین مقدس فلسطین به دو منطقه یهودی نشین و مسلمان نشین را به تصویب رساند و پنج ماه بعد دولت اسرائیل تأسیس شد؛ سپس برخی از کشورها دولت غاصب اسرائیل را به رسمیت شناختند.

محمدرضا، شاه ایران نیز که نوکر بی چون و چرای امریکا و انگلیس بود و بقای خود را در نوکری آن‌ها می‌دید، اسرائیل را به رسمیت شناخت و در بیت‌المقدس کنسولگری دایر کرد. به دنبال انتشار این خبر، روشنفکران و عالمان بیدار در داخل و خارج از کشور به شدت به این عمل وقیحانه اعتراض کردند. آیت‌الله کاشانی رهبر مذهبی ایران در مقابل این عمل، موضعگیری و سخنرانی شدیداللحنی ایراد کرد. در جهان عرب نیز واکنش‌های تندی در برابر عمل انزجار آمیز شاه ایران صورت گرفت و عالمان مسلمان به این موضوع حساسیت نشان دادند.

شیخ محمود شلتوت نیز ضمن رد هر گونه ارتباط کشورهای اسلامی با اسرائیل، اقدام دولت ایران را تقبیح کرد و در این باره تلگرافی به آیت‌الله بروجردی به قم فرستاد. متن تلگرام از این قرار است:

بسم الله الرحمن الرحيم

درود خدا بر شما و بر همه برادران ما و برادران شما، علمای شفیق ایران و تمام کسانی که مدافع و حافظ وحدت و ائتلاف مسلمانانند. اما بعد مسلماً جنابعالی و جمیع برادران بزرگوار خبر حزن آوری که در این روزها پدید آمد، شنیده‌اید که شاه ایران، اسرائیل را به رسمیت شناخته است؛ اسرائیلی که به سرزمین فلسطین تجاوز کرده و مردم آن را آواره و حقوقشان را غصب کرده است. مایه تأسف و تأثر همه مسلمانان جهان است که پادشاهی که خود و ملتش مسلمان است،

دشمنان مسلمان را تأیید کند و با آنان رابطه دوستی برقرار سازد و ما دوبار برای جناب شاه تلگراف فرستادیم و خاطر نشان کردیم که این عمل بهانه‌ای است برای کسانی که خواهان قطع روابطی هستند که ما برای تقویت آن تلاش کرده‌ایم.

مسلماً شما نیز از این عمل متأثرید و برای محکوم کردن آن به شدت خواهید کوشید، و قطعاً اقدام جنابعالی تأثیر نیکویی خواهد داشت. منتظر دریافت نامه شما.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

برادر شما محمود شلتوت - شیخ‌الازهر (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۷۹ ش، ص ۲۶۲)

متأسفانه تلگراف شیخ محمود شلتوت وقتی به قم رسید که آیت‌الله بروجردی در بستر بیماری به سر می‌برد و با همین بیماری از دنیا رحلت کرد.

در پی این واقعه شیخ محمود شلتوت دست از وظیفه‌اش برداشت و نامه‌ای برای آیت‌الله سید محسن حکیم (متوفای ۱۳۹۰ ق) نگاشت و از وی خواست تا در این باره اقدامی انجام دهد.

این دو نامه از طرف شیخ محمود شلتوت بیانگر چند نکته مهم و اساسی است که عبارتند از:

۱. اهتمام و کوشش او در راه آزادی سرزمین قدس؛

۲. مقابله با کسانی که به هر صورتی از رژیم اسرائیل حمایت می‌کنند؛

۳. رابطه گرم وی با عالمان شیعه که از لحن نامه‌ها می‌توان این صمیمیت و صفا را فهمید؛

۴. ارتباط مستمر وی با عالمان شیعه و مشورت با آنان در امور مهمی که بر مسلمانان جهان

می‌گذرد.

پس از این که آیت‌الله سید محسن حکیم نامه را دریافت، تلگرافی برای آیت‌الله سید علی بهبهانی به تهران فرستاد و مراتب را به محضر وی رساند. آیت‌الله بهبهانی نیز ناراحتی عالمان و مراجع را به شاه اعلام کرد.

### اندیشه‌های وحدت

بی‌شک شیخ محمود شلتوت از معدود عالمانی بود که به وحدت اسلامی اهتمامی ویژه داشت. به اعتقاد وی، یکی از مهم‌ترین مسائل در شکل‌گیری وحدت، دستیابی به نقطه اشتراکی است که همه مذاهب بر آن اتفاق داشته باشند. نقطه مشترک میان تمام مذاهب اسلامی قرآن است. شلتوت در این باره می‌گوید: «اسلام مردم را به وحدت فراخوانده و محوری را که مسلمانان باید به آن تمسک

جویند و گرداگرد آن جمع آیند، اعتصام به حبل الله قرار داده است. این مطلب در بسیاری از آیات قرآن حکیم آمده. رساترین آن در قول خداوند متعال در سوره آل عمران است (واعتصموا بحبل الله جميعاً و لا تفرقوا). خداوند از مطلق تفرقه نهی کرده است که شامل تفرقه به سبب تعصب نیز می‌شود. حدیثی صحیح می‌گوید: لا عصبية فی الاسلام؛ در دین اسلام تعصب وجود ندارد (روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۹ / ۱۰ / ۷۹، ویژه‌نامه، ص ۹)».

شلتوت در جایی دیگر، کتاب خدا و سنت رسول الله را وجه اشراک همه مذاهب می‌داند و می‌گوید: «نهی از تفرقه، تفرقه مذهبی را نیز در برمی‌گیرد؛ زیرا به رغم آن که مذاهب فقهی اسلامی بسیار بوده، شیوه‌های آن مختلف است از اصول واحدی که کتاب‌الله و سنت پیامبر است، برگرفته شده است؛ ولی به رغم تعدد و اختلاف مذاهب در بسیاری از احکام و وجود آرای متعدد، همگان در نقطه‌ای مشترک و سخنی واحد گرد می‌آیند که ایمان به مصادر اصلی و تقدیس کتاب الله و سنت رسول الله ﷺ است (جمهوری اسلامی، ۱۹ / ۱۰ / ۷۹، ویژه‌نامه، ص ۹)».

## عوامل وحدت

### ۱. ترک تعصب

خبرنگار از شیخ محمود شلتوت پرسید: عواملی که وحدت را استوار می‌سازد، کدامند؟

وی در پاسخ فرمود:

«اولین عامل، ترک تعصب و رعایت انصاف است. این امر به تحقق شرط‌های دیگر کمک خواهد کرد؛ از جمله روی‌آوری به فرهنگ واحد اسلامی و بهره‌گیری از تمامی نظریات. در این راه باید کتب و نشریاتی چاپ شود و تبادل افکار و تضارب آرا انجام شود و دانشگاه‌ها و مراکز علمی با یک‌دیگر آشنا شوند و تبادل استاد و دانش‌پژوه انجام شود و مشورت و دیدارهایی صورت گیرد و در فضایی برادرانه، مشکلات بحث و حل شود. ارتباطات عاطفی مسلمانان نیز تقویت شود تا آن گونه که رسول اکرم ﷺ فرمود: اگر عضوی از امت مسلمان به درد آمد، دگر عضوها را آرام و قرار نماند (جمهوری اسلامی، ۱۹ / ۱۰ / ۷۹، ویژه‌نامه، ص ۱۰)».

شلتوت بین اختلاف‌های علمی که در مجامع علمی صورت می‌گیرد و تعصب خشکی که میان برخی عوام در جریان است، فرق می‌گذارد و در این باره می‌گوید: «اختلاف رأی، ضرورتی اجتماعی و امری طبیعی است که اجتناب‌ناپذیر است؛ اما با اختلافی که منجر به تعصبات مذهبی و جمود فکری شود، تفاوت دارد. تعصب، رشته پیوند مسلمانان را قطع می‌کند و دشمنی و کینه را در دل‌ها

می‌باوراند؛ ولی اختلاف به سبب حقیقت پژوهی، با احترام به آرا و اندیشه‌های مخالفان ستودنی و قابل پذیرش است (جمهوری اسلامی، ۱۹/۱۰/۷۹، ویژه‌نامه، ص ۱۰)».

در جایی دیگر در این باره می‌گوید: «هرگز نباید کسی تصور کند که به حقیقت مطلق و تردید ناپذیری دست یافته و بر دیگران حتماً لازم است که از او پیروی کنند؛ بلکه خود باید بگوید آنچه یافته‌ام تنها یک عقیده و محصول کوشش و تحقیقات من است. در این باره به کسی اجازه نمی‌دهم که بی اساس پیروم گردد؛ بلکه باید بکاود تا مدرک گفتارم را دریابد؛ آن گاه اگر دلیل استوار آمد، مایه تأیید من است (مردم و دین، ص ۱۴).

## ۲. نقش عالمان دین

عالمان و بزرگان هر دینی مهم‌ترین نقش را در پیشبرد اهداف آن دین ایفا می‌کنند. اگر عالمان اسلام نیز تمام تلاش خود را مصروف مسأله وحدت و آگاه کردن مردم از خطرهای تفرقه و سوء استفاده دشمن از تفرقه میان مسلمانان کنند، وحدت اسلامی به وقوع خواهد پیوست و جهان اسلام یکپارچه در مقابل کفر جهانی خواهد ایستاد.

شیخ محمود شلتوت با اشاره به نقش ممتاز عالمان درباره وحدت اسلامی، همه آن‌ها را به وحدت فرا می‌خواند و می‌گوید: «اینک من بار دیگر به نام خدا و به نام کتاب خدا و به نام وحدت اسلامی و به نام چنگ زدن به ریسمان محکم الاهی، علمای شیعه و سنی را به تقریب و همبستگی دعوت می‌کنم.

مسئلاً گرامی‌ترین آنان نزد خدا کسی است که زودتر به این هدف مقدس سبقت گیرد و رخنه‌هایی که در گذشته میان مسلمین پیدا شده ببیند و مجد و شعار ما که عبارت از وحدت اسلامی است، به ما بازگرداند (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۷۹ ش، ص ۱۸۳).

سوء استفاده دشمن

یکی از توطئه‌های استعمار و استکبار، اختلاف افکنی میان جوامع مسلمان است تا در پرتو این اختلاف، به منافع ننگین خود رسیده، منافع ملت‌های مسلمان را تاراج و غارت کنند.

بدون شک هیچ کس همچون سران استکبار از اختلاف بین مسلمانان لذت نمی‌برند. علامه شلتوت ضمن هشدار به مسلمانان می‌گوید: «خداوند متعال از امت اسلامی خواسته که وحدت کلمه داشته باشند و از گروه‌گرایی و تحزب که توان و قدرت همدیگر را تضعیف و فرسوده می‌کند، بپرهیزند که کشورهای استعراگر از تفرقه مسلمانان بهترین بهره‌برداری را به نفع خود کرده‌اند (اخبار تقریب، ش ۴۹ و ۵۰، ص ۴۱)».

استعمار هیچ گاه راضی نمی‌شود، اَمّت اسلام یکپارچه شود؛ زیرا می‌داند که در آن صورت، امت واحد در مقابل مطامع آن‌ها خواهند ایستاد و به آن‌ها اجازه نخواهند داد تا منافع آن‌ها را تاراج کنند؛ بنابراین در برابر هر تلاشی که به وحدت مسلمانان بینجامد، می‌ایستد. در این باره مرحوم میرزا خلیل کمره‌ای خاطره‌ای از شلتوت نقل می‌کند که مسلمان به عمق توطئه‌های استعمار پی می‌برد. وی می‌نویسد: «اینجانب و هیأت همراه در سفر به مصر در دو نوبت با شیخ جامع ازهر، محمود شلتوت دیدار داشتیم؛ یک نوبت در جامع ازهر و یک نوبت در منزل شخصی ایشان. در این دیدار، شیخ الازهر ما را از حقایق اموری مطلع فرمود و رازی را فاش کرد که پایه مداخله بیگانگان و تأثیر نفوذ آنان را در امور ممالک شرق حتی در امور بین مذاهب اسلام روشن ساخت. عالم عظیم مصر فرمود: من از دیر زمانی حدود سی سال قبل درصدد دیدن فقه امامیه برآمدم و از عراق و ایران کتاب‌های فقهی امامیه را خواستم؛ ولی تا این اخیر که مصر از زیر زنجیر استعمار بیرون آمد، کتاب‌ها نمی‌رسید و سانسور می‌شد تا بعد از فتح کانال کتب شما آمد و من مطالعه کردم. حجت بر من تمام شد و آن فتوا را دادم بدون این که تحت تأثیر هیچ مقامی یا سخنی بروم (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۷۹ ش، ص ۱۹۵؛ به نقل از رابطه عالم اسلام، ناصرالدین کمره‌ای، ص ۷).

### نقش شلتوت در دارالتقريب

جماعت تقرب مذاهب اسلامی در کشور مصر و در شهر قاهره در سال ۱۳۶۰ قمری (۱۹۴۸ م) با هدف تقرب بین مذاهب اسلامی تأسیس شد. مؤسسان این مجموعه عبارتند از علامه محمدتقی قمی، شیخ محمود شلتوت، شیخ محمد مصطفی مراغی، مصطفی عبدالرزاق، عبدالمجید سلیم. این جماعت بعد تعطیل، و در ایران، جمعیتی با همان هدف به نام مجمع تقرب مذاهب اسلامی تأسیس شد. این جمعیت تا کنون منشأ خدمات فراوان در زمینه تقرب و همبستگی مذاهب اسلامی بوده است.

علامه شلتوت این تشکیلات را می‌ستاید و درباره آن می‌گوید: «این نهضت «تشکیل دارالتقرب» که بر اساس اندیشه جمع‌آوری مذاهب مختلف اسلامی صورت گرفت. طولی نکشید که از حقایق استوار و علمی در جهان و تاریخ فکر اسلامی به شمار آمد. همچنین بر آن روح اصلاح‌طلبی، محبت و برادری میان مسلمانان سایه افکند. بی‌تردید این خود به منظور تحقق بخشیدن به کلام خداوند بود آن جا که فرمود: فقط افراد با ایمانند که با هم طرح برادری می‌ریزند. حال میان برادران خود صلح برقرار کنید و از خدا بترسید؛ باشد که مورد رحمت او واقع شوید (مردم و دین، ص ۹).

شلتوت جو دارالتقريب را جو دوستی و برادری می‌داند و در این باره می‌گوید: «در آن جا [=دارالتقريب] مصری، کنار ایرانی، لبنانی، عراقی و پاکستانی می‌نشیند و در آن جا شافعی، حنبلی با شیعی یا زیدی گرد یک میز آمده، طنین صداهايشان به هم می‌پیچد. در آن جا دانش، اخلاق، تصوف، فقه و سایر مباحث مطرح است و علاوه، روح برادری، مهر، دوستی، حقیابی و... بر سراسر آن جا حکفرما است (مردم و دین، ص ۱۶)».

شیخ محمدتقی قمی که خود از بنیانگذاران دارالتقريب است، درباره نقش کم‌نظیر شیخ محمود شلتوت می‌نویسد: «استاد بزرگ، شیخ محمود شلتوت در آن روز که در تکوین و پیدایش جمعیت تقرب با ما مشارکت کرد، یکی از علمای بزرگ و استاد دانشگاه الازهر بود. او همواره با همکاران و همفکران خود به سوی تقرب گام برمی‌داشت. در یکی از جلسات، پیشنهاد نمود که تسنن و تشیع را در جمع شریک بدانیم و به جای تعبیر به فرقه یا طایفه همه آن‌ها را مذاهب اسلامی بنامیم. آن‌گاه که معاون دانشگاه الازهر گردید، همچنان به همکاری خود در دارالتقريب ادامه داد... (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۷۷ ش، ص ۶۹)».

محمدتقی قمی در جای دیگری درباره سابقه همکاری شلتوت و دارالتقريب می‌گوید: «شیخ محمود شلتوت ۱۷ سال عضو دارالتقريب بود. او در پنج سال آخر عمر، رئیس الازهر شد و همواره چه پیش از آن و چه پس از شیوخیت الازهر تلاش خستگی‌ناپذیر برای تقرب شیعه و سنی داشت (جمهوری اسلامی، ۱۹ / ۱۰ / ۷۹، ویژه‌نامه، ص ۹)».

شیخ محمود شلتوت تاریخچه جمعیت تقرب را در نوشته‌ای مبسوط بیان می‌کند که خلاصه آن چنین است: «مسلمانان باید افتخار کنند که عملاً در تقرب و نزدیک ساختن مذاهب خود به یک‌دیگر از دیگران سبقت جسته‌اند... . آرزو داشتم ماجرای تقرب را برادر دانشمندم، پیشوای مصلح، محمدتقی قمی می‌نوشت تا بتواند از این دانشمند مجاهد که از خود و فداکاری‌هایش در راه این دعوت سخن نمی‌گوید تعریف کند.

او نخستین کسی بود که دیگران را به سوی این دعوت فراخواند، و به سبب آن به این کشور مهاجرت کرد و بذر تقرب را افشاند. از آغاز با آن و در کنار آن زیست و با نبوغ، اخلاص، دانش سرشار، شخصیت بارز، عزم راسخ، شکیبایی بر حوادث و پایداری در برابر گردش روزگار به پرورش آن همت گماشت تا این که به یاری پرودگار به چشم خود آن را به صورت درختی ریشه دار و برومند دید که پیوسته به اذن پرودگار ثمر می‌دهد و در سایه آن دانشمندان و متفکران این کشور و سایر کشورها به سر می‌برند. موضوع را از سوی دیگر عنوان می‌کنیم و می‌گوییم: چه کسی به این دعوت و رموز و دقایق آن و از نخستین مؤسس آن آگاهی بیشتری دارد.

این جانب از روز نخست شخصاً به اندیشهٔ تقریب همچون برنامهٔ استواری ایمان آوردم و از همان آغاز از پیدایی آن در فعالیت‌ها و اقدام‌ها در ارتباط با تقریب سهیم بودم.

هنگام ریاست دانشگاه الازهر فرصتی فراهم شد تا فتوایی مبنی بر جواز پیروی از مذاهب ریشه‌دار و اصیل اسلامی که شیعه دوازده امامی هم جزء آن‌ها است، صادر کنم. و این همان فتوایی است که در دارالتقریب به امضای ما رسید و با اطلاع ما توزیع شد. همان فتوایی که آوازهٔ بلند آن در کشورهای اسلامی طنین افکند، و دیدگان افراد پاک و باایمان که هدفی جز حق و تقریب و مصلحت امت نداشتند، روشن گشت. از طرفی پرسش‌ها و جدال‌ها دربارهٔ آن شروع شد، و من که به درستی فتوا ایمان داشتم، با عزمی راسخ، هرگاه برای کسانی که دربارهٔ آن توضیح می‌خواستند، نامه می‌فرستادم، و آن را تأیید می‌کردم، و به اشکالات معترضین هم جواب می‌گفتم، و نیز مقالاتی که منتشر می‌شد در سخنرانی‌ها تأیید می‌کردم تا این که به یاری خدا این فتوا در میان مسلمانان در شمار اصول مسلم و به صورت یک حقیقت پا برجا درآمد؛ ولی افراد متعصب و کوتاه فکر که همچنان در انحطاط فکری و اختلافات طایفه‌ای و نزاع سیاسی به سر می‌برند، دربارهٔ آن به القای شبهه و تصورات بیهوده پرداختند.

آرزو داشتم می‌توانستم از کسان بسیاری سخن بگویم که برای این دعوت اسلامی از خودگذشتگی نشان دادند. کسانی که با آن‌ها مباحثات علمی و تبادلات نظری و فکری داشتیم و با آن‌ها مکاتبه می‌کردیم. در پیشاپیش آنان مرجع بزرگ، مرحوم، حاج آقا حسین بروجردی - احسن الله فی الجنة مثواه - و دو شخصیت بزرگ دیگر، شیخ محمدحسین آل کاشف‌الغطاء و سید عبدالحسین شرف‌الدین موسوی رحمهما الله قرار داشتند. در آغاز محیط عمومی پر از سرزنش‌ها و تهمت‌های آمیخته به افترا و سوء ظن فرقه‌ها نسبت به یک‌دیگر گردید و تشکیل جماعت تقریب از مذاهب مختلف اسلامی (مذاهب چهارگانه تسنن و دو مذهب شیعهٔ امامی و زیدی) پیروزی آشکاری بود که کینه توزان را برانگیخت، و دعوت تقریب از جانب افراد متعصب و متحجر مورد هجوم و حمله قرار گرفت. سنی‌ها خیال می‌کردند که دارالتقریب می‌خواهد آن‌ها را شیعه کند و شیعی‌ها تصور می‌کردند که ما تصمیم داریم آن‌ها را سنی نماییم. این‌ها و سایرین که در حقیقت هدف و رسالت تقریب را در نیافته بودند و یا نمی‌خواستند دریابند، گفتند: تقریب می‌خواهد مذاهب را الفا کند و یا آن‌ها را درهم ادغام نماید. ما خدای را سپاسگزاریم که اندیشهٔ تقریب نقطهٔ تحولی در تاریخ فکر اصلاحی اسلامی گشته، و تأثیر عمیق و وسیعی از خود به یادگار گذاشته است. مسلمانان باید افتخار کنند که عملاً و فکراً در ایجاد وحدت کلمه و تقریب مذاهب خود به یک‌دیگر، از دیگران سبقت جسته، و در سایهٔ اخلاص و تفکر صحیح اداره‌کنندگان و دیگر مسلمانان معاصر، در این راه پیروز شدند.

از خدای بزرگ ادامه موفقیّت این دعوت را مسألت می‌داریم؛ باشد که مجد و شکوه اسلام و مسلمین باز گردد، و فرموده خداوند عزّ و جلّ درباره آنان تحقق یابد که می‌فرماید: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ؛ شما بهترین امتی بودید که به سود انسان‌ها پدیدار شده‌اند؛ [چه این‌که] امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید و به خدا ایمان دارید».

«قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي؛ بگو این راه من است. من و پیروانم، با بصیرت کامل، همه مردم را به سوی خدا دعوت می‌کنیم».

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! دعوت خدا و پیامبر را اجابت کنید هنگامی که شما را به سوی چیزی می‌خواند که شما را حیات می‌بخشد!»

والسلام علیکم ورحمة الله (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۷۷ ش، ص ۵۷)

## ارتباط با عالمان شیعه

### ۱. ارتباط با آیت‌الله بروجردی

یکی از اقدام‌هایی که شلتوت در راه وحدت مسلمانان انجام داد، ارتباط مستمر با عالمان دیگر مذاهب به ویژه عالمان شیعه است. او به عالمان شیعه به خصوص حضرت آیت‌الله بروجردی ارادت داشت و بارها او را مورد تکریم و احترام قرار داد؛ برای نمونه، هنگامی که با خبر شد محمدتقی قمی قصد دارد به ایران سفر کند، نامه‌ای برای آیت‌الله بروجردی نگاشت و همراه آقای قمی فرستاد. وی در بخشی از این نامه که حاوی ابراز ارادت به آیت‌الله بروجردی است، بشارت می‌دهد که گام‌های آیت‌الله بروجردی در راه پیوند مذاهب اسلامی، بسیار موثر و راهگشا است (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۷۷ ش، ص ۳۱۶؛ مکتب اسلام، خرداد، ۱۳۴۰، ص ۶۰).

### ۲. نماز جماعت به امامت کاشف‌الغطاء

شیخ محمود شلتوت در سفری که به قدس شریف، برای شرکت در کنفرانس اسلامی فلسطین داشت، به همراه دیگر عالمان، نماز جماعت را به امامت آیت‌الله کاشف‌الغطاء خواند. وی این صحنه زیبا را که سنی و شیعه در صفی واحد ایستاده‌اند، این گونه وصف می‌کند: «چه زیبا است سیمای مسلمانان که نمایندگان آنان در کنفرانس اسلامی فلسطین در مسجدالاقصی جمع شدند و با یکی از بزرگان مجتهدین شیعه امامی، استاد با فضیلت، شیخ محمدحسین آل کاشف‌الغطاء نماز جماعت



خواندند بی آن که فرقی باشد میان کسی که خود را سنی می‌نامد و یا کسی که خود را شیعه می‌خواند و همگی صفوف واحدی را پشت سر یک امام تشکیل دادند که پروردگار واحدی را می‌خوانند و به سوی یک قبله روی دارند (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۷۹ ش، ص ۴۱).

## فتوای تاریخی

مهم‌ترین اقدام شیخ محمود شلتوت در طول حیات زندگی‌اش، صدور فتوا مبنی بر جواز تعبد و پیروی از فقه مذاهب معتبری مثل شیعه امامیه است. شلتوت با این اقدام، گام بسیار مهمی در راه تقریب مذاهب سنی و شیعی برداشت.

### پیشینه فتوا

هنگامی که شیخ عبدالمجید سلیم، ریاست دانشگاه الازهر را برعهده داشت، تصمیم گرفت تا فتوایی مبنی بر جواز پیروی از مذهب اهل بیت علیهم‌السلام صادر کند. او می‌خواست این کار را انجام دهد؛ ولی از طرف عناصر استکبار و استعمار، کتابی توهین‌آمیز درباره مقدسات اهل سنت منتشر و بین اعضای دارالتقریب پخش شد.

این کتاب که به یکی از عالمان شیعه نسبت داده شده بود، بدون تاریخ و بدون ذکر محل و نام چاپخانه در اختیار اعضا قرار گرفت و موجی از ناراحتی و بدبینی درباره مذهب شیعه را در پی داشت. بدون تردید دست استعمار در پس این پرده در جریان بود. عبدالمجید سلیم که با این توطئه از پیش طراحی شده رو به رو شد نتوانست با وضعیت بحرانی و دشمنی که درباره شیعه پدید آمده بود، این فتوا را صادر کند؛ بدین لحاظ منصرف شد و منتظر فرصتی دیگر بود؛ ولی دست اجل فرصت را از عبدالمجید گرفت و سال‌ها بعد شاگردش شیخ محمود شلتوت این فتوا را صادر کرد. شاید تقدیر این بود که این فتوا به وسیله شیخ محمود شلتوت صادر و نام او در جهان اسلام پرآوازه شد.

فتوای شیخ محمود شلتوت دارای سه عنصر اصلی است:

۱. هیچ مسلمانی ملزم نیست حتماً تابع یکی از مذاهب چهارگانه فقهی اهل سنت باشد؛ بلکه هر مسلمانی در انتخاب هر یک از مذاهب فقهی آزاد است؛
۲. انتقال از یک مذهب فقهی به مذهب فقهی دیگر جایز است؛
۳. هر مسلمانی اگر چه سنی باشد می‌تواند طبق فقه شیعه امامیه عمل کند (نجف‌آبادی، ۱۳۶۴ ش، ص ۱۷۵).

سرانجام در روز بابرکت ۱۷ ربیع الاول ۱۳۷۸ قمری همزمان با میلاد سعید امام صادق علیه السلام رئیس فقه جعفری و سالروز میلاد حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و با حضور نمایندگان مذهب شیعه امامی، زیدی، شافعی، حنبلی، مالکی و حنفی، شیخ محمود شلتوت فتوایی مبنی بر جواز پیروی از مکتب تشیع را صادر کرد. متن فتوا به این صورت است:

«مکتب جعفری، معروف به مذهب امامی اثنا عشری، مکتبی است که شرعاً پیروی از آن مانند پیروی از مکتب‌های اهل سنت جایز می‌باشد؛ بنابراین، سزاوار است که مسلمانان این حقیقت را دریابند و از تعصب ناحق و ناروایی که نسبت به مکتب معینی دارند، دوری گزینند؛ زیرا دین خدا و شریعت او تابع مکتبی نبوده و در احتکار و انحصار مکتب معینی نخواهد بود؛ بلکه همه صاحبان مذهب‌ها مجتهد بوده و اجتهادشان مورد قبول درگاه باری تعالی است و کسانی که اهل نظر و اجتهاد نیستند می‌توانند از هر مکتبی که مورد نظرشان است تقلید نموده و از احکام فقه آن پیروی نمایند، و در این مورد فرقی میان عبادات و معاملات نیست (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۷۷ ش، ص ۳۴۵)».

شیخ محمود شلتوت

صدور این فتوا توجه همگان را در جهان اسلام به خود جلب کرد. اکثر متفکران که این واقعه را انقلابی مهم در روابط بین شیعه و سنی می‌دیدند، از این فتوا حمایت کردند؛ ولی برخی از کوتاه فکran و تفرقه پراکنان او را به سبب این اقدام به باد انتقاد و بر او خرده گرفتند که چرا مذهب شیعه را به رسمیت شناخته است.

### انگیزه‌های صدور فتوا

یکی از علل مهم صدور این فتوا، مطالعه کتاب‌های فقهی عالمان شیعه و تدبیر و تحقیق در ادله آن‌ها از طرف شیخ محمود شلتوت بود. دیدگاه شلتوت بر آن بود که برخی احکام فقه شیعه از لحاظ ادله بر فقه اهل سنت برتری دارد؛ از این رو در برخی از احکام به ویژه قوانین مربوط به خانواده از قبیل ازدواج، طلاق، ارث و مانند این‌ها مطابق با فقه شیعه فتوا داده است. اکنون صورت فتوای تاریخی او که به خط خود او است، در آستان قدس رضوی نگهداری می‌شود.

شیخ شلتوت در همین جهت اقدام‌های موثری برای تحقق اتحاد و پیوند اعتقادی میان شیعه و سنی انجام داد. یکی از آن اقدام‌ها تاسیس فقه مقارن در دانشگاه الازهر و تنظیم آیین‌نامه‌ای برای آن بود. در کلاس درس فقه مقارن، موضوعاتی از قبیل حکم سه طلاقه، طلاق معلق، مسأله رضاع، ارث، طهارت و مانند این‌ها تدریس می‌شد.

شیخ محمود شلتوت در طول حیات با برکت خود توانست بیش از بیست کتاب و مقاله علمی در مجامع گوناگون ارائه کند و به این ترتیب میراثی ماندگار از خود به یادگار گذارد تا تشنگان معرفت از آن استفاده کنند.

کتاب‌های او عبارتند از:

۱. تفسیر القرآن الکریم، مجمع التقرب بین المذاهب الاسلامیة، تهران، ۱۳۷۹ ش.

این کتاب سلسله مقالاتی در مجله «رسالة الاسلام» بود که طی چهارده سال به چاپ رسید. بعد همه آن‌ها جمع‌آوری و به صورت کتاب منتشر شد.

۲. مقارنة المذاهب فی الفقه

موضوع این کتاب چنان که از نامش پیدا است، درباره تقرب بین مذاهب اسلامی است. شلتوت در این کتاب درباره فقه مقارن بحث می‌کند و دیدگاه فقهی همه مذاهب اسلامی درباره مسأله‌ای فقهی را آورده؛ سپس رأی و نظر مذهبی را پذیرفته که متناسب با زمان و مکان و همراه با دلائل و براهین باشد (اخبار تقرب، ش ۴۶-۴۵، ص ۳۰).

۳. من توجهات الاسلام، مطبوعات الادارة العامة للثقافة الاسلامیة، ۱۹۵۹ م.

مؤلف در این کتاب به تصحیح و توضیح برخی مفاهیم دینی، بیان موضعگیری‌های اسلام درباره پاره‌ای از مشکلات اخلاق جامعه می‌پردازد.

بخش‌هایی از این کتاب با عناوین «مردم و دین»، «اخلاق»، «در کشتزار اجتماع»، «اسلام و یادبودها» به وسیله سید خلیل خلیلیان به فارسی ترجمه و به وسیله انتشارات شرکت سهامی انتشار در تهران در سال ۱۳۴۴ شمسی چاپ شده است.

۴. الفتاوی، چاپ هجدهم، دارالشروق، قاهره، ۱۴۲۱ق این کتاب، مجموعه‌ای از سؤالات فقهی است که در طول حیات شیخ محمود شلتوت از او پرسیده شده و او به آن‌ها پاسخ داده است. این اثر یکی از مهم‌ترین آثار شیخ محمود در عالم اسلام شمرده می‌شود که بسیار مورد توجه برداران اهل سنت در کشورهای مختلف اسلامی است.

۵. من هدی القرآن، دارالکتاب العربی لطباعة و النشر، قاهره، ۳۶۰ صفحه.

این کتاب در پنج فصل به نام‌های «الی القرآن الکریم، منهج القرآن فی بناء المجتمع، القرآن و المرأة، الاسلام و العلاقات الدولیة، فی السلم و الحرب تدوین شده است.

۶. الاسلام عقیده و شریعة، دارالقلم، قاهره.

این کتاب یکی از مهم‌ترین کتاب‌های شلتوت و دارای سه فصل به نام‌های عقیده، شریعت و مصادر شریعت است.

شلتوت در فصل اول این کتاب به بررسی موضوعاتی از قبیل بیان و تبیین اساسی اسلام (توحید، نبوت، معاد، قضا و قدر و...) و در فصل دوم به تشریح عبادات، احکام اجتماعی خانواده، میراث و... می‌پردازد و در پایان مصادر شریعت (قرآن، سنت و رأی و نظر) را مورد بررسی قرار می‌دهد.

۷. الی القرآن الکریم، دارالاهلال، قاهره. همچنین تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۴ش. (۱۸۴ص).

شلتوت هدف قرآن را سه موضوع می‌داند (دانستن عقاید برای زدودن دل از شرک و بت پرستی، اخلاق برای تهذیب و تزکیه نفس و بالا بردن شأن و جایگاه انسان و دانستن احکام برای سپری کردن زندگی سالم). (الی القرآن الکریم، مقدمه، ص ۶).

وی در این کتاب، قرآن را از این زوایه می‌نگرد و در این باره بحث می‌کند.

۱. یسألونک (و هی اجابات عن أسئلة فی شتی الموضوعات):

۲. منهج القرآن فی بناء المجتمع؛

۳. المسؤولية المدنية و الجنائية فی الشریعة الاسلامیه؛

۴. القرآن و القول؛

۵. القرآن و المرأة؛

۶. تنظیم العلاقات الدولية الاسلام؛

۷. الاسلام و الوجود الدولي للمسلمین؛

۸. تنظیم النسل؛

۹. رسالة الازهر؛

۱۰. فقه القرآن و السنه؛

۱۱. القتال فی الاسلام.

برخی از کتاب‌های شلتوت به زبان فارسی نیز ترجمه شده است؛ مانند:

ا. اسلام آیین زندگی، مؤلف محمود شلتوت، مترجم عبدالعزیز سلیمی، تهران، نشر احسان، ۱۳۸۲ش، ۷۴۹ص.

ب. سیری در قرآن کریم: نگاهی به اصلی‌ترین مفاهیم بیست و شش سوره از قرآن، محمود شلتوت، ترجمه حسین سیدی، مشهد، شرکت به نشر، ۱۳۷۷ش، ۲۴۰ص.

## غروب خورشید قاهره

سرانجام این شخصیت بزرگ اسلام در تاریخ ۲۷ رجب سال ۱۳۸۳ قمری به دیار باقی شتافت و جامعه اسلامی را داغدار کرد.

پس از فوت این عالم جلیل‌القدر که گام‌های بسیار بزرگی در راه تقریب بین مذاهب اسلامی برداشت، شخصیت‌های بزرگی پیام تسلیت فرستادند؛ از جمله حضرت آیت‌الله شیخ آقا بزرگ تهرانی، صاحب کتاب وزین الذریعه به نمایندگی از عالمان نجف اشرف به رجال تقریب پیام تسلیتی فرستاد. همچنین به مناسبت تکریم از شخصیت، آثار و افکار شیخ محمود شلتوت و آیت‌الله بروجرودی، کنگره بزرگداشتی از طرف مجمع تقریب مذاهب اسلامی و مرکز حوزه علمی قم به مدت دو روز در تهران و قم، در تاریخ ۱۹ / ۱۰ / ۷۹ برگزار شد و تا تاریخ ۲۱ / ۱۰ / ۷۹ ادامه یافت و تجدید عهدی بین عالمان فریقین بود.

در این کنگره، هیأتی علمی از کشور مصر به سرپرستی شیخ محمود عبدالغنی عاشور، قائم مقام شیخ الازهر شرکت داشتند. از جمله شخصیت‌های بزرگ مصری که در این کنگره حضور داشت و مقاله‌ای علمی درباره زندگی شیخ محمود شلتوت ارائه کرد، استاد دکتر نصر فرید محمّد واصل مفتی اعظم مصر بود (جمهوری اسلامی، ۱۹ / ۱۰ / ۷۹، ویژه‌نامه، ص ۹).

## منابع و مأخذ

۱. آیت‌الله مکارم شیرازی، ماهنامه مکتب اسلام،
۲. احمدی، مهدی، محمد عبده: رایت اصلاح (طلایه داران تقریب ۴)، جمعیت تقریب مذاهب اسلامی، ۱۳۸۳.
۳. ازغندی، علیرضا، روابط خارجی ایران ۱۳۵۷ - ۱۳۲۰، نشر توس، ۱۳۷۶ ش.
۴. الاسلام عقیده و شریعه، دارالقلم، قاهره.
۵. المنجد فی الاعلام، لبنان، چاپ ۲۷، ۱۹۸۲ م.
۶. برآورد استراتژیک مصر، انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ایران، تهران، ۱۳۸۱ ش.
۷. بی‌آزار شیرازی، کریم، شیخ محمود شلتوت طلایه دار تقریب، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، ۱۳۷۹ ش.
۸. خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، انتشارات دوستان، اول، ۱۳۷۷ ق.
۹. خفاجی، محمد عبدالمنعم، الازهر فی ألف عام، بیروت، مکتبه الکلیات الحدیثه.

۱۰. روحانی (زیارتی)، سید حمید، بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران.
۱۱. شلتوت، محمود، درکشتزار اجتماع، سید خلیل خلیلیان، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۴۴ ش، تهران.
۱۲. شریعتمداری، حسین، روزنامه کیهان، ۱۳۷۲ ش.
۱۳. شلتوت، محمود، اخلاق، سید خلیل خلیلیان، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۴۴ ش، تهران.
۱۴. \_\_\_\_\_، اسلام و یادبوها، سید خلیل خلیلیان، شرکت سهامی انتشار، تهران.
۱۵. \_\_\_\_\_، مردم و دین، سید خلیل خلیلیان، انتشارات الهام، تهران.
۱۶. صالحی نجف‌آبادی، مجموعه مقالات، نشر دانش اسلامی، ۱۳۶۴ ش.
۱۷. غروی، سید محمد، مع علماء النجف الاشرف، دارالتقلین، بیروت، اول، ۱۴۲۰ ق.
۱۸. ماهنامه اخبار تقریب، مجمع تقریب مذاهب اسلامی.
۱۹. مجاهد، زکی محمد، الاعلام الشرقيه، دارالغرب الاسلامی، بیروت، دوم، ۱۹۹۴ م.
۲۰. مهاجری، مسیح، روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۷۹ ش.
۲۱. نبوی، مرتضی، روزنامه رسالت، ۱۳۷۴ ش.
۲۲. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی،
۲۳. ممسنی مذاهب اسلامی، ترجمه و نگارش کریم بی‌آزار شیرازی، تهران، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، ۱۳۷۷ ش.

